

Analysis of the concept of ideal Iranian woman, as a woman, wife and mother Case study: Sassanian period

Faezeh Aghighi*

Abstract

Iranian culture considers ideal women in every period which has been expressed from the earliest times by means of engravings and later in written texts. Research on this issue is very important and it is a suitable way to analyze a corner of Iranian culture and thinking about women. Especially, this investigation should be done in the ancient period, to where the roots of Iranian thoughts belong. Since the use of original written sources belonging to each period is necessary for the research in this issue and the abundance of ancient written sources in the Sassanian period is obvious, in this article, an attempt has been made to investigate and analyze this issue in Sassanian period. The method of collecting information is library and the research method is descriptive-analytical. The main sources in question are Middle Persian texts. The findings show that the characteristics of an ideal woman in Sassanian period were defined in relation to the position of mother and wife. In addition to ideals in the field of female beauty, moral field, there are expectations for examples of obedience, loyalty and commitment, taking care and raising the child. There is also financial independence and economic prudence which despite the patriarchal view, clearly states the importance of women's role in the family.

Keywords: Ideal woman, Family, Mother, Wife, Sasanians

* PhD in Iranology and Researcher at Iranology Foundation, Tehran, Iran,
Faezehaghighi59@gmail.com

Date received: 23/7/2022 , Date of acceptance: 7/11/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل مفهوم زن آرمانی ایرانی در جایگاه همسر و مادر دوره ساسانی

فائزه عقیقی*

چکیده

فرهنگ ایرانی در هر دوره خصوصیتی را در مورد زن آرمانی در نظر گرفته که از قدیمی‌ترین دوران توسط نقوش و بعد از آن به صورت مکتوب بیان شده است. پژوهش درباره این موضوع اهمیت بسیاری دارد و راهگشای مناسبی برای تحلیل گوشه‌ای از فرهنگ و تفکر ایرانی در مورد زن است. بخصوص اینکه این بررسی در دوره باستان که ریشه‌های تفکر ایرانی متعلق به آن است، انجام شود و از آنجاکه استفاده از منابع مکتوب اصلی متعلق به هر دوره زمانی، برای تحقیق این موضوع ضروری است و فراوانی منابع مکتوب باستان در دوره ساسانی بارز است، در این مقاله تلاش شد این موضوع در دوره ساسانی بررسی و تحلیل شود. شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و شیوه تحقیق توصیفی-تحلیلی است. منابع اصلی موردنظر نیز متون فارسی میانه هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که خصوصیات زن آرمانی در دوره ساسانی در ارتباط با جایگاه مادری و همسری تعریف شده است و علاوه بر آرمان‌هایی در زمینه زیبایی ظاهری زن، در حوزه اخلاقی نیز انتظاراتی مانند اطاعت و فرمانبری از همسر، وفاداری و تعهد، رسیدگی و تربیت فرزند و همچنین استقلال مالی و تدبیر اقتصادی وجود داشته است که علیرغم نگاه مردسالارانه همگی بر اهمیت نقش زن در خانواده تصریح آشکار دارد.

کلیدواژه‌ها: زن آرمانی، خانواده، مادر، همسر، ایران ساسانی

* دانش‌آموخته دکتری ایرانشناسی و پژوهشگر بنیاد ایرانشناسی، تهران، ایران،
Faezehaghighi59@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۶



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

زن چه در دوران ابتدایی که به عنوان موجودی مهم و اسرارآمیز، توانایی مهم فرزندآوری و ادامه نسل را داشته و چه در دوره‌های بعد زیر سایه قدرت مردانه، همواره مورد توجه بوده است و به اقتضای وظایف طبیعی و مهمی که بر عهده او بوده همواره انتظاراتی از وی مطرح بوده که به نوعی نشانه آرمانهای جامعه از یک زن مطلوب و شایسته بوده است. تا پیش از دوران معاصر اصلی‌ترین کارکرد زن در ارتباط با ازدواج و خانواده بوده است و طبیعتاً استانداردهایی در این ارتباط از وی در نوشته‌های اندیشمندان هر دوره و حتی اسناد و نقوش به جامانده، مطرح شده است. زن ایرانی نیز از این موضوع مستثنی نبوده است. نقوشی که از زن روی اجسام و زمینه‌های مختلف دیگر از کهن‌ترین دوران تاکنون در فلات ایران مطرح شده می‌تواند بیانگر تصویر زن آرمانی و مورد آرزو در هر دوره در ابعاد مختلف باشد. حکما و دانایان ایرانی نیز در هر دوره خصوصیتی را از زن آرمانی که مناسب برای ازدواج و تشکیل خانواده است، مطرح کرده‌اند.

بررسی این موضوع بخصوص در دوره باستانی ایران از این منظر که ریشه‌های تفکر ایرانیان در دوره‌های بعد محسوب می‌شود بسیار قابل ملاحظه است و از آنجاکه استفاده از منابع مکتوب در این حوزه بسیار ضروری است در این مقاله تلاش شده این موضوع در ایران عصر ساسانی بررسی و تحلیل شود. زیرا این دوره علاوه بر منابع تصویری، فراوانترین منابع مکتوب را نسبت به سایر دوره‌های باستان دارد که این امر سبب ارائه تحلیل جامعتری در این حوزه خواهد شد. لازم به ذکر است که در این مقاله زن تنها در بستر خانواده و امور مرتبط با آن ارزیابی می‌شود بنابراین به مشاغل زنان و حضور ایشان در جامعه به صورت مجزا پرداخته نخواهد شد و نکته دیگر اینکه در این اثر، جایگاه زن در خانواده مورد نظر نیست بلکه تعریف جامعه از زن آرمانی در خانواده، مورد تحلیل قرار گرفته است و از آنجاکه هر تفکر در هر دوره ریشه در زمان قبل از آن دارد، منابع و اسناد دوره‌های قبل از ساسانی نیز تا حد امکان مورد ملاحظه قرار گرفته تا بر غنای تحلیل موضوع افزوده شود. هرچند که بدیهی است دوره مورد نظر، عصر ساسانی و منابع اصلی متون فارسی میانه است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که شایستگی‌هایی که از یک زن ایرانی در جایگاه مادر و همسر، در دوره ساسانی انتظار می‌رفته چه مواردی بوده است؟

همچنین این پرسش فرعی مهم نیز مدنظر است که مولفه‌های زن آرمانی چگونه انتخاب شده‌اند

در حوزه مطالعات زن در دوره پیش از اسلام، آثار بسیاری تالیف و تدوین شده است که در ارتباط با موضوع این مقاله دو دسته آثار را می‌توان مورد ملاحظه قرار داد: ۱. آثاری که موضوع زن ایرانی در دوره باستان را به صورت کلی و در حوزه و دوره زمانی وسیعتر مورد بررسی قرار داده‌اند که برخی مانند ورجینی (۱۳۹۸)؛ وحدتی هلان (۱۳۹۱)؛ خیرخواه (۱۳۹۷)؛ بیانی (۱۳۷۹) و همچنین بروسیوس (Brosius) (۲۰۲۰م) آن را در جامعه ایران باستان و برخی مانند شکلی (۲۰۱۲م)؛ آموزگار (۱۳۹۶) و مظاهری (۱۳۷۷) آن را در سطح خانواده بررسی کرده‌اند. ۲. برخی از محققان نیز، زن ایرانی را در دوره باستان به صورت مجزا در دوره‌ای خاص یا منابعی ویژه مورد پژوهش قرار داده‌اند مانند مقاله دریایی (۱۳۸۶) و کتاب جکوبز و رولینگر (Jacobs and Rollinger) (۲۰۲۱م) که در قسمتی از اثر خود زن را در دوره هخامنشی تحقیق کرده‌اند و یا کتاب بارتلمه (Bartholomae) (۱۳۳۷)، و مقاله روشن ضمیر (۱۳۹۷) و مقاله یوسفی نسب (۱۳۸۱) که این موضوع را در دوره ساسانی بررسی کرده‌اند. اثر بنی هارونی (۱۳۹۸) نیز که این موضوع را به صورت تطبیقی در بین اساطیر چند فرهنگ تحقیق کرده است از این دسته است. آثاری نیز مانند مقاله دریایی (۲۰۱۴م) موضوع زن را تنها در مورد شخصی خاص و از طبقه دربار، آذر میدخت ساسانی، مورد ملاحظه قرار داده‌اند. محققانی چون گلدمن (Goldman) (۲۰۲۰م) نیز موضوع زن را تنها در/اوستا تحقیق کرده‌اند.

ضمن ارج نهادن به ارزشمندی این دو دسته از آثار، باید گفت که هر دو دسته موضوع زن را از منظر جایگاه و حقوق موردنظر قرار داده‌اند و به زن آرمانی نظری نداشته‌اند. هرچند در برخی از آثار مانند کتاب آموزگار (۱۳۹۶، ۲۸۰-۲۸۱، ۲۸۳-۲۸۴) در مقاله «زن در خانواده ایران باستان» و همچنین اثر جکوبز و رولینگر (۲۰۲۱م: ۱۱۳۱) به خصوصیات زن آرمانی از منظر ایرانیان به صورت خلاصه اشاره کرده‌اند اما اساس تحقیقات خود را از منظر شایستگی‌های موردانتظار از زن ایرانی در خانواده انجام نداده‌اند؛ هرچند یکی از تحلیل‌هایی که می‌توان بر این موضوع (خصوصیات زن آرمانی) نهاد، به جایگاه زن در خانواده و حتی جامعه نیز ختم خواهد شد اما در واقع موضوع تحلیل شایستگی‌های موردانتظار از زن، ابعاد دیگری را نیز دربرمی‌گیرد که آشکارشدن استانداردهای جامعه و

فرهنگ در حوزه زن در دوره مربوطه، یکی از اصلی ترین نتایج است که می تواند به ارائه تحلیل جامعی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در دوره ای خاص کمک شایانی کند. در نهایت با وجود تعدد آثار در حوزه زن ایرانی در دوره باستان بر موضوع شایستگی های موردانتظار از زن در خانواده تاکید دیده نمی شود و این درحالی است که در آن دوره، اصلی ترین کارکرد زن در ارتباط با ازدواج و خانواده معنا می شده است. بنابراین به دلیل اهمیت این موضوع و همچنین خلا آن در آثار کارشده در حوزه زن، بخصوص در دوره ساسانی، تمرکز این مقاله بر شایستگی های موردانتظار از زن در خانواده است نه کارکردهای واقعی وی.

۲. زن از منظر مادری و همسری در دوره باستان

طبق منابع، در دوره باستان، زن از منظر مادری و همسری بسیار مورد توجه بوده است کما اینکه در جای جای اوستا از زنان در جایگاه مادر و همسر با ستایش و تقدیر ذکر شده است (آموزگار، ۱۳۹۶: ۲۸۰). به عنوان مثال در آبان یشته، باروری و به تبع آن مادری چنان با اهمیت و مقدس است که ایزدبانو آناهیتا قبل از آن وجود زنان و شیر آنان را پاک می کند «کسی که مشیمه همه زنان را برای زایش پاک کند... او شیر زنان را پاک می کند» (یشته ها، ۲۵۳۶، ج ۱: ۲۳۵). و یا در قسمتی دیگر از این یشته در باب ارزش ازدواج چنین آمده «از تو باید دختران... قابل شوهر و ساعی از برای سروری استغاثه کنند و از برای یک خانه خدای دلیر» (همان: ۲۷۳). همچنین در گات ها در باب ازدواج دختر زرتشت و پس از توصیه به وی که در این زمینه با خردورزی تصمیم بگیرد. ازدواج را مقدس ترین اعمال پارسائی می نامد «اکنون برو با خردت مشورت کن با اندیشه پاک مقدس ترین اعمال پارسائی را بجای آور» (گات ها، ۱۳۷۷: ۱۴۳). تصویر و یا نقش خانواده یا حتی اعضای آن در تمامی دوره های پیش از اسلام بسیار کمیاب است و نمی توان بر آن اساس تحلیلی از زن شایسته در خانواده را ارائه داد. اما از زن به صورت تک جنسیت نقش ها و تصاویری موجود است که می تواند در بررسی منظر جامعه در مورد زن (در موضع مادری و همسری) و انتظاراتی که از وی می رفته راهگشا باشد. زیرا مسلماً هر نقشی که از زن در هر دوره نشان داده شده، مطابق با استانداردها و انتظارات فرهنگی از زن در همان دوره بوده است و در واقع زن آرمانی را توصیف می کردند. موضوع شایستگی زن در جایگاه همسر و مادر، از

دو منظر اصلی ظاهری و باطنی یا ظاهری و اخلاقی مطرح می‌شود که هر دو، هریک در جایگاه خود و به فراخور نیاز، با اهمیت بوده است. قطعاً زنی که برای ازدواج انتخاب می‌شده باید زیبایی موردانتظار را می‌داشته است کما اینکه در *وزیدگیهای زادسپرم* نیز در زمان انتخاب همسر زرتشت بر چنین موضوعی تأکید شده است (*وزیدگیهای زادسپرم*، ۱۳۸۵: ۶۵). علاوه بر حفظ ظاهری، وظیفه مهم تولیدمثل نیز بر عهده زن بوده است که به تبع آن خصوصیات ظاهری نیز اهمیتی فراتر از لذت پیدا می‌کرده و مساله انتقال ویژگی‌های ظاهری شایسته به نسل بعد هم مطرح می‌شده است. همچنین در منابع ذکر شده فر و فروهر پاک و برگزیده باید از طریق پدر و مادر به فرزند منتقل و دمیده می‌شد که این امر در خصوص زرتشت پیامبر، از طریق مادرش «دوغدو» اتفاق افتاد (آموزگار، ۱۳۹۶: ۲۷۹). این موارد حاکی از نقش مهم زن در موضع مادری بوده است که به تبع آن اهمیت ازدواج را نیز نشان می‌داده که در دوره باستان و در مذهب زرتشتی نه تنها در مورد زن بلکه در مورد مرد هم بسیار مورد تأکید بوده است چنانچه در *دینکرد پنجم* آمده است: «با داشتن امکان جایز نیست که زن شوهر نکند و مرد زن نگیرد» (کتاب پنجم *دینکرد*، ۱۳۸۶: ۵۸). در یشت‌ها دخترانی که «هنوز به مرد نرسیده‌اند» افراد مطلوبی محسوب نمی‌شوند و گویی نماد ناپختگی است (یشت‌ها، ۲۵۳۶: ج ۲: ۱۹۷-۱۹۸). در باب اهمیت ازدواج^۱ ذکر این نکته نیز ضروری است که یکی از کارهای خیر خسروانوشیروان که برخی از نویسندگان سده‌های نخست دوره اسلامی از آن یاد کرده‌اند این بوده که با هزینه دولت، اقدام به ازدواج دختران بی‌شوهر کرد و جهیزیه نیز به ایشان داد (بلعمی، ۱۳۴۱: ۹۷۷). برخی از روایات نشان می‌دهد در زمینه ازدواج تأکید برای زنان بیش از مردان بوده است چنانچه در متن فقهی *شایسته ناشایسته* بیان شده «مرد اگر زن نگیرد، مرگزان نشود و زن اگر شوی نکند همانا مرگزان شود» (*شایسته ناشایسته*، ۱۳۶۹: ۱۲۸) و چنانچه کوتاهی در این حوزه از پدر و یا برادر دختر بوده ایشان گناهکار محسوب می‌شده‌اند (*روایت امید آشوهیستان*، ۱۳۷۶: ۱۹۴).

ازدواج در عقیده ایرانیان باستان هدفی والاتر از تولید مثل داشته است و آن کمال روحانی انسان بوده است. به عقیده ایشان این کمال در روز رستاخیز که اهورامزدا بر اهریمن غلبه پیدا می‌کند و روح انسان به نهایت درجه خلوص و پاکی خود می‌رسد حاصل می‌شود (بهرامان، ۱۳۹۱: ۱۱۵) و دقیقاً به دلیل همین هدف والا اهمیت انتخاب همسری شایسته بسیار بارز بوده است. این پیمان به قدری مهم بوده که برای آن گواهانی از اهورامزدا، مهر،

سروش و رشن نیز گرفته می‌شد (آموزگار، ۱۳۹۶: ۲۸۳) بخصوص ایزد مهر که موکل و نگاهبان همه پیمانهاست در این زمینه هرگونه پیمان‌شکنی را مجازات می‌کرده است^۲

در بین ایرانیان باستان بخصوص بر طبق قوانین حقوقی دوره ساسانی پنج نوع ازدواج مرسوم بوده است: ۱. پادشا زن که همسر رسمی و دارای قدرت نفوذ بسیار بود. ایشان در حقیقت بانوی خانه محسوب می‌شدند. در برابر این نوع زنان، زانی بودند که به دلایل مختلف حمایت و مجوز رسمی پدر خود را برای ازدواج نداشتند و در واقع خود برای ازدواج تصمیم گرفته بودند (شکی، ۲۰۱۲م). ۲. ایوکی زن: این ازدواج زمانی بوده که مرد فرزند پسر نداشته است بنابراین دختر خود را به نام خود به عقد مرد دیگری در می‌آورد که در صورت تولد اولین فرزند پسر وی، این پسر به پدر و مادر دختر تعلق می‌گرفت^۳.

چکرزن یا چاکرزن، که زمانی بود که بیوه زن مرد در گذشته مجدداً ازدواج می‌کرد اما همچنان در خدمت شوهر نخستین خود بود^۴. سترزن: چنانچه مردی در سن پانزده سال به بالا بدون انتخاب همسری فوت می‌کرد؛ بازماندگان وی برای آرامش روان وی دختری را به نام او به شوهر می‌دادند تا وی هم از همسر و فرزند در دنیای دیگر نصیب داشته باشد. اولین فرزند این ازدواج متعلق به آن مردی بود که به نام وی این ازدواج صورت گرفته بود که مشمول ارث نیز قرار می‌گرفت^۵. خودسرزن که ازدواجی بود که زن در آن بدون رضایت و مجوز پدر به ازدواج مردی در می‌آمد^۶ (آموزگار، ۱۳۹۶: ۲۹۵-۲۹۶). فلسفه ازدواج نوع دوم و چهارم این بود که به عقیده ایرانیان باستان مردی که فرزند نداشت نمی‌توانست از پل عبور به جهان دیگر بگذرد بنابراین ضروری بود که حتماً فرزندی به نام وی باشد. لازم به ذکر است. طبق قوانین زنی که ستر میشد باید بیگناه و دارای شرایط خاصی می‌بود. به‌عنوان مثال باید: ایرانی، بالغ، سالم، زرتشتی، بارور و به‌دور از گناهان مرگ ارزانی می‌بود و در غیر این صورت نمی‌توانست به‌عنوان ستر قرار گیرد (شکی، ۲۰۱۲م).

لازم به ذکر است در منابع نحوه نگارش قبالة ازدواج، شرایط و مبالغی که جزء حقوق زن بوده ذکر شده است (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱: ۱۷۳-۱۷۵). زن در ایران باستان تحت قیومیت و سرپرستی مرد بوده است و این مرد که می‌توانست پدر، شوهر و یا جانشین آنها باشد رئیس خانواده محسوب می‌شد که در متون ساسانی «کتک ختای یا کدگ ختای»^۴ (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۰) و زن «کدگ بانوگ» (بانوی خانه) خوانده می‌شد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۵). البته در شرایطی که مرد خانواده فوت می‌کرد و قیم انتخاب نشده بود، زن در خانواده

می‌توانست قیم باشد و حق قانونی داشته باشد (روایت امید آشوه‌میشتان، ۱۳۷۶: ۱۳). در متن روایت آذرفرنبغ فرخزادان ذکر شده که پدر در زمان حیات می‌تواند به دختر بالغ خود «سالاری و پادشاهی» تن خویش را دهد (آذرباد فرنبغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۱۶).

۱.۲ خصوصیات زن آرمانی ایرانی در جایگاه مادر و همسر

مولفه‌های زن آرمانی در دوره ساسانی بر اساس ایجاب و تاکیدهایی که در مورد زن در متون فارسی میانه و البته منابع تصویری بیان شده، انتخاب شده است. این ایجاب و تاکید در دوره‌های قبل از ساسانی در تمثال‌ها و نقوش جلوه‌گر بوده است که به نظر می‌رسد این موضوع بخصوص در دوره‌های متقدم و پیش از تاریخ، که به صورت نقوش جلوه‌گر است، بیشتر حالت بیان آرزو و آرمان بوده و در دوره‌های بعد حالت ایجابی و تاکیدی داشته است بخصوص اینکه در متون دینی پادشاهی برای زن آرمانی و شایسته و مجازات‌هایی برای زن ناشایست منظور شده است.

۱.۱.۲ خصوصیات ظاهری

در تفکر ایرانیان باستان، ظاهر زنی که برای ازدواج انتخاب می‌شده نیز اهمیت داشته و متون دینی و حکمی نیز بر این امر تاکید کرده‌اند. خصوصیات ظاهری زن آرمانی که مورد نظر بوده‌اند را هرچند می‌توان از لابلاهای متون نیز استخراج کرد، اما منابعی که بیش از همه در چنین زمینه‌ای راهگشا و حتی جامع هستند، تصاویر به‌جا مانده از سفالها، مجسمه‌ها، تندیس‌ها، سنگ‌نگاره‌ها، مهرها و.. است. البته از آنجاکه هنر بخصوص در دوره باستان در اختیار طبقه حاکمه بوده موضوع هنرها نیز طبقه شاهی و دربار هستند. بنابراین اطلاعات به‌دست آمده از این منابع را می‌توان صرفاً در مورد ملکه‌ها استناد کرد. اما از آنجاکه به هر صورت طبقه شاهی به‌عنوان الگو در جامعه قرار می‌گرفتند، می‌توان از اطلاعات مربوط به ایشان در جهت تحلیل تفکر عموم جامعه در آن زمینه کمک گرفت. در دوره ساسانی هم بیشتر زنان اشراف و طبقات بالای جامعه به تصویر کشیده شده‌اند. با توجه به تصاویر و نقوش موهای زنان در دوره ساسانی یا بافته و یا با قیطانی بسته شده و شینیونی به حالت مارپیچ روی سر آنها قرار دارد. در برخی از مهرها، که نیم‌تنه زنان روی سر زنان به تصویر کشیده شده است، زنان با پستان‌هایی تویی شکل که بزرگتر از حد معمول هستند، و در یک

مورد حتی برجستگی نوک پستان نیز نشان داده شده است، نمایش داده شده‌اند. طبق نظر محققان زنان اشرافی ساسانی بسیار به ظاهر خود اهمیت می‌داده‌اند (دیمز، ۱۳۸۸: ۱۱۲، ۱۱۰، ۹۵). برخی اعتقاد دارند که زن در هنر دوره ساسانی «جنبه تزئینی و در خدمت لذایذ دنیوی است» (دادور و نشاط، ۱۳۸۷: ۱۳۴) کما اینکه در این دوره نقش زنان به عنوان رقص و نوازندگان موسیقی در آثار دیده می‌شود و پوشش ایشان بخصوص رقص‌ها چنین ایده‌ای را نشان می‌دهد. مواردی چون نقش دختر برهنه رقص بر جام زورقی شکل متعلق به سده ۶-۷ میلادی (همان: ۹۳) و یا نقش رقصها بر روی کوزه‌هایی که متعلق به سده ۵-۶ میلادی هستند و به صورت برهنه همراه با روپوشی بدن‌نما تصویر شده‌اند (همان: ۹۵) می‌تواند از شواهد این مطلب باشد. براساس این نظریه و این شواهد می‌توان اینگونه تحلیل کرد که در دوره ساسانی به زیبایی ظاهری زن اهمیت بسیاری داده می‌شد و به قطع در انتظاراتی که از زن آرمانی در جایگاه همسر، در عموم جامعه وجود داشته، نمودار بوده است. به یقین اهمیت زیبایی زن در تمام دوره‌های قبل از ساسانی نیز مطرح بوده همانطور که طبق منابع در دوره هخامنشی نیز «زیبایی ظاهری» از ملاک‌های یک زن آرمانی بوده است (جکوبز و رولینگر، ۲۰۲۱م: ۱۱۳۱) اما به نظر می‌رسد نگاه به زن در آن دوره مانند دوره ساسانی در جهت لذت‌جویی نبوده است زیرا از دوره هخامنشی پیکرک و یا تصویر زن برهنه‌ای به دست نیامده است، اما از دوره اشکانی پیکرک‌های برهنه یافت شده که به نظر می‌رسد فرهنگ یونانی در آن موثر بوده است (دیمز، ۱۳۸۸: ۷۹، ۸۵). البته این بدان معنا نیست که نقش زن برهنه هیچگاه در فلات ایران تصویر نشده است. بلکه پیکرک‌های برهنه از دوره نوسنگی در ایران به دست آمده اما رویکرد به ساخت این پیکرک‌ها تاکید بر باروری زن بوده است. کما اینکه این سنت در دوره مس‌سنگی نیز ادامه یافته و سرین زنان بزرگتر نمایش داده شده است (همان: ۳۵، ۳۲). اما در دوره ساسانی جذابیت زن از منظر جنسی بسیار مورد توجه بوده است چنانچه برخی از تصاویر مرتبط با دوره ساسانی، عموماً رقص‌ها، پیکرهای برهنه زنان «با حالتی رخوت‌آمیز و با اندام‌های قوی و نرم زنان جوان و پیچ و تاب کمر و برخی خصوصیات هوس‌انگیز (دست و بازوی افراشته)» است و ویژگی مشترک این تصاویر «تاکید بسیار زیاد بر اندام زنانه آنهاست» (اعظم‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۷).

اطلاعات در مورد ویژگی‌های ظاهری زن آرمانی در دوره ساسانی را از منابع مکتوب نیز می‌توان استخراج کرد. به نقل از آذربادمهرسپندان جوان‌بودن زن نیز از استانداردهای مهم برای انتخاب وی به منظور ازدواج بوده است (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱: ۱۰۶). در *اردویرافنامه*

هنگامی که ویراز عروج کرد اعمال خوب خود را به شکل زنی زیبارو دید توصیف این زن اینگونه است «دوشیزه زیبای نیک دیدار ... فراز پستان، یعنی که او را پستان برجسته است، از دل و جان خواستنی، تنش چنان روشن بود که به دیدار دوست داشتی تر، یعنی خواستنی تر...» (اردویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۴۹). در گفتگوی خسرو قبادان و ریدک خصوصیات ظاهری زن آرمانی چنین بیان شده است:

فاقد افزونی وزن، قد متوسط، سینه پهن، سر، سرین و گردن مناسب، پای کوتاه، میان باریک، زیر پای گودی‌دار، انگشتان بلند و ناخن برفین، اندام نرم و توپر، به پستان، گونه انارگون، چشم بادامین، لب بسدین، ابرو طاقدیس، دندان سپید و خوشاب، گیسو سیاه براق و دراز (خسرو قبادان و ریدکی، ۱۳۶۶: ۱۰۷۴).

تطبیق این اطلاعات با داده‌های استخراج شده از منابع مرتبط با دوره‌های عیلام میانی، مفرغ و حتی آهن نشان می‌دهد خصوصیتی چون حالت بادامی چشم، پائین‌تنه بزرگ، کمر باریک، موی بلند، خواه مجعد خواه صاف و حتی گاه به صورت شینیون (هزاره سوم پیش از میلاد) همواره مورد توجه بوده است (دیمز، ۱۳۸۶: ۳۵، ۳۷-۳۸، ۴۴، ۴۷، ۵۳، ۵۵؛ اعظم‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۹) و در واقع سلیقه زیبایی‌شناسی فرهنگ ایرانی چنین بوده است. حتی برخی از موارد ذکر شده در متون ساسانی در تجسم تصویر ایزدبانوان دین «زیبا، درخشان با بازوان سفید نیرومند خوشرو راست بالا با سینه‌های برآمده، نیکوتن...» (یشت‌ها، ۲۵۳۶، ج ۲: ۱۶۸) و آن‌ها «بسیار برومند خوش اندام کمر بند در میان بسته راست بالا .. از قوزک پا پائین کفشهای درخشان پوشیده با بندهای زرین (آنها را) محکم بسته» (همان، ج ۱: ۲۵۹) به چشم می‌خورد.

لازم به ذکر است در کنار اهمیت زیبایی در دوره ساسانی استفاده از برخی موارد آرایشی نیز از لحاظ دینی ناپسند محسوب می‌شده است به عنوان مثال بر اساس اردویراف‌نامه: زنانی که «رنگ بر خود نهادند و موی کسان {دیگر} را برای پیرایش برای خود اختیار کردند و چشم ایزدان و مردمان بستند» مجازات می‌شوند و مجازات آنان اینگونه است که «ده انگشت خون و ریم (=کثافت) از آنها می‌آمد، آنها می‌چشیدند و می‌خوردند و کرم به هردو چشم آنها می‌آمد» (اردویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۸۴).

۲.۱.۲ مجموعه خصوصیات اخلاقی

اخلاق شایسته و همچنین فداکاری اولین تکالیف زنان در زندگی زناشویی محسوب می‌شد (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۱۲).

طبق متون فارسی میانه زن مناسب برای زندگی دارای مجموعه ای از خصوصیات اخلاقی و شخصیتی بوده است: «شوی آرای (آراینده و مراقب شوهر)، سوراآرای (ترتیب دهنده مهمانی)، نگهبانی کردن از در (خانه)، پوشش مناسب داشتن و تن خویش و جای را پاک نگاه داشتن» (آذرباد ایمیدان و آذرباد فرخزادان، ۱۳۹۲: ۱۷۱). این خصوصیات به تعبیر دیگر همان پارسایی، مهربانی، گشاده رویی و مهمان‌نوازی است. به نقل از آذرباد مهرسپندان زانی که دارای خصوصیات شرمگینی و فرزانیگی باشند برای ازدواج بسیار مناسب هستند (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱: ۱۰۲-۱۰۳). در اندرزنامه بزرگمهر حکیم از خصوصیات پسندیده زن «شوی کام و پارسا» ذکر شده است (اندرزنامه بزرگمهر حکیم، ۱۳۵۰: ۱۱). در گفتگوی خسرو قبادان و ریدک هم خصوصیات اخلاقی زن شایسته چنین بیان شده است: «بانادیشه، مرددوست، نگفتن سخن بی شرمانه در بستر مردان» (خسرو قبادان و ریدکی، ۱۳۶۶: ۱۰۷۴). زنی که «استعدادهای شایسته» دارد نیز برای ازدواج توصیه شده که این استعداد شایسته احتمالاً در هر عرصه و طبقه مرتبط با تقاضاهای آنان متفاوت بوده است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۴۹).^۵ دوری از جادوگری نیز از خصوصیات مهم زن شایسته محسوب می‌شده است. این موضوع به قدری مذموم بوده که وجود آن مجوزی برای طلاق محسوب می‌شده است (آموزگار، ۱۳۹۶: ۲۸۲). ایرانیان باستان به قدری بر خصوصیات اخلاقی شایسته در زن تاکید داشتند که بر این عقیده بودند؛ اگر زن مجموعه ای از خصوصیات را نداشته باشد برای زندگی مناسب نیست. به عنوان مثال در دینکرد ششم چنین نوشته شده: «کسی که با زن نامناسب نزدیکی کند، به سبب هدر دادن تخم، محکوم است» (آذرباد ایمیدان و آذرباد فرخزادان، ۱۳۹۲: ۱۶۹). همانطور که به نظر می‌رسد اغلب خصوصیات اخلاقی موردانتظار از زن در حوزه محبت، عشق، دوستی، آرامش و سازش است که بررسی منابع نشان می‌دهد این توقعات دارای پیشینه فرهنگی و تاریخی در بین ساکنان فلات ایران بوده است. در برخی از پیکرکهای برهنه متعلق به شوش از هزاره دوم پ.م سرهای زنان به شکل قلب است و چهره‌ها خندان و چشمان بسته است (دیمز، ۱۳۸۸: ۴۰) این جزئیات در چهره می‌تواند نمادی از ویژگی‌های محبت، خوشرویی و رضایت و خرسندی باشد که وجود

آنان در یک زن بسیار پسندیده بوده است. در اوستا هم مجموعه‌ای از خصوصیات اخلاقی شایسته‌ای برای ایزدبانوان مطرح شده، که می‌تواند منعکس‌کننده انتظارات جامعه ایرانی از زن آرمانی به صورت کلی باشد، این خصوصیات عبارت‌اند از: خوشرویی، آزادگی، شریف‌نژادی (در توصیف ایزدبانو «دین» و «آناهیتا») (یشت‌ها، ۲۵۳۶: ج ۲: ۱۶۸؛ ج ۱: ۲۵۹)، محبت، بردباری، وفا، اطاعت و سازش (در توصیف سپندارمذ) (همان، ج ۱: ۹۴). در دوره هخامنشی نیز حیا و اطاعت از ویژگی‌های یک زن آرمانی برای زندگی زناشویی بوده است (جکوبز و رولینگر، ۲۰۲۱م، ۱۱۳۱). لازم به ذکر است در راستای اهمیت خصوصیت شرمگینی زن که مرتبط با فضیلت حیا است؛ موضوع پوشش نیز مطرح می‌شود. کما اینکه همانطور که اشاره شد ایجاد بر پوشش مناسب زن هم بوده است. این درحالی است که داده‌های مکتوب و تصویری دوره ساسانی بازگویی استفاده زنان درباری از پوشش سر است (پک، ۱۳۸۲: ۸۶). این امر نیز دارای پیشینه بوده است. زنان درباری ماد و هخامنشی هم علاوه بر لباس‌های پرچین و پر حجم و بلند، از بالاپوشی چون چادر امروزی که نواحی گردن و سر را می‌پوشاند نیز استفاده می‌کردند (شاپور شهبازی، ۱۳۸۲: ۶۲). در دوره سلوکیان به دلیل غلبه فرهنگ یونانی پوشش زنان تغییر کرد. مجسمه‌ها و تصاویری که از این دوره به دست آمده کاملاً گویای چنین موضوعی هست. به عنوان مثال پیکره مرمری بانویی که به حالت لمیده است از سلوکیه یافت شده که تنها گردن‌بند و صندل دارد و هیچگونه پوششی ندارد (هرمان، ۱۳۷۳: ۵۹). پوشش سر در دوره پارتها نیز در حجاریها دیده شده است (قوامی، ۱۳۸۲: ۷۹). از برخی اسناد بجا مانده که تصاویر خدمه ملکه‌ها را نشان می‌دهد می‌توان اینگونه برداشت کرد که پوشش سر مخصوص طبقه بالا بوده است (شاپور شهبازی، ۱۳۸۲: ۶۳). تصویر ترسیم‌شده روی پارچه‌ای پشمی که از بازیریک به دست آمده و زنان خدمتکار را بدون پوشش سر نشان داده چنین موضوعی را تأیید می‌کند (راسل، ۱۳۸۲: ۴۲۴). به نظر می‌رسد اهمیت این موضوع در دوره ساسانی چند برابر شده است. در متون پهلوی دو بار از چادر به عنوان سرپوش زنانه یاد شده است (غیبی، ۱۳۸۲: ۴۲۲). هرچند که به نظر می‌رسد حجاب امری قدسی بوده و حتی پادشاهان مرد نیز در حدی در پوشش و حجاب بوده‌اند (همان) در واقع این موضوع یکی از ارزش‌های فرهنگی ایرانیان محسوب می‌شده است که بخصوص رعایت آن برای رده‌های بالای جامعه ضروری بوده است زیرا طبق باورهای دینی و فرهنگی ایرانیان، ایشان دارای فره ایزدی و مرتبط با اهورامزدا بوده‌اند. به همین دلیل حرمت معنوی و مادی ایشان باید حفظ می‌شده و

این موضوع برای زنان در قالب پوشش و برای مردان علاوه بر نوع پوشش در رعایت حریم با سایرین بوده است. البته این بدان معنا نیست که زنان ایرانی در سطح عموم جامعه پوشیدگی را رعایت نمی کردند بلکه برعکس از آنجاکه این خصوصیت ارزش فرهنگی محسوب می شده، همگان آن را پذیرفته بودند و این موضوع از توصیفات ایزدبانوان در اوستا نیز پیداست که هیچکدام پوششی خلاف حیا و اخلاق مرتبط با فرهنگ ایرانی ندارند. اما به هرصورت رعایت این موضوع برای طبقات بالای جامعه به دلایل ذکر شده همراه با ضرورت و تاکید بیشتری بوده است.

همانطور که اشاره شد ویژگی اطاعت، فرمانبرداری و سازش همسر نیز بسیار مورد تاکید بوده است. در واقع زن موظف بوده حرمت همسر خود را حفظ کند. در *وزیدگیهای زادسپرم*، در تاکید بر حفظ حرمت مرد توسط زن، ذیل انتخاب همسر زردشت پیامبر چنین آمده است: «هنگامیکه پدر برای او زن خواست، زردشت به زن خطاب کرد که: «باید روی به من بنمایی برای اینکه چهره (و) رخسار و رفتار او را ببیند (و) اینکه چهره او دلپسند است یا نه، بشناسد. زن روی از او برگردانید و زردشت گفت که: «کسی که روی از من بازگیرد، مرا احترام نوزد» (*وزیدگیهای زادسپرم*، ۱۳۸۵: ۶۵). در *دینکرد* ششم زن کدبانوی فرمانبردار و شوهر دوست، بهترین زن معرفی شده است (آذرباد ایمیدان و آذرباد فرخ زادان، ۱۳۹۲: ۱۷۷). در *ارداویراف نامه*، ویراز روان زنان نیک را می بیند که اینگونه بوده اند «دیدم روان زنان با بسیار اندیشه نیک، با بسیار گفتار نیک و با بسیار کردار نیک، [خوب آموخته شده] توسط رد خدایان (=پیشوایان دینی)، که شوهر خود را چون سالار دارند، در جامه ای زینت یافته از زر، زینت یافته از سیم، زینت یافته از گوهر» (*ارداویراف نامه*، ۱۳۷۲: ۵۵-۵۶). در این متن زنان ویراز، خود را به تیر و ویراز را به ستون تشبیه می کنند که چون ستون بیافتد، تیرها نیز می افتند. همچنین طبق مشاهدات ویراز، روان زنان فرمانبردار از همسر خویش، در بهشت جایگاهی والا دارد و زنانی که عکس آن عمل کنند، جایگاهی بد و عذابی سخت در پیش دارند. به قدری احترام زن به شوهر خویش مهم بوده که زنانی که با شوهر خود مشاجره لفظی کرده و سخن زشت و نفرین به آنان زده اند در دوزخ مجازات شده اند و مجازات اینان کشیدن زبانشان به سمت گردن و آویخته بودنشان در هوا بوده است. همچنین در قسمت دیگری مجازات زنی که با شوهر خود مشاجره کرده و «سگ زبان» بوده و نافرمانی کرده و همچنین از مال همسر دزدیده و به عنوان مال خود قلمداد کرده نیز لیسیدن اجاق گرم و سوزاندن دستش زیر آن اجاق بوده است. در قسمتی

دیگر از *اردویرافنامه* نیز به نکوهش زنانی که زبانی آزاردهنده با همسر خود دارند پرداخته (همان: ۴۴، ۵۸، ۶۵-۶۶، ۷۹، ۸۷). این تأکیدها دال بر اهمیت سخن گفتن خوش و نرم زن با همسر خویش بوده است. در متن *شایست ناشایست*، زنان «ناترس آگاه» در برابر همسر خود، به قدری نکوهش شده‌اند که سبب زلزله معرفی شده‌اند (*شایست ناشایست*، ۱۳۶۹: ۲۱۶).

این احترام و فرمانبرداری در تمام موارد بوده است؛ در *روایت پهلوی* به زنان توصیه شده که با همسر خود مشورت کنند:

پادشازن باید هرروز سه بار با شوهر مشورت کند که: «تو را چه باید، زمانی که بیانديشم و بگويم و بکنم، چه نمی دانم که تو را چه باید زمانی که بانديشم و بگويم و بکنم، بگو تا آن انديشم و گويم و کنم که تو را باید؟» پس هر آن کار درستی که شوی گوید، باید بکند و از آزار و اذیت شوی باید بپرهیزد (*روایت پهلوی*، ۱۳۸۹: ۲۹۸).

یکی از مواردی که در کتابهای حقوقی دوره باستان به عنوان تعریف عدم تمکین (نشوز) زنان ذکر شده این است که «کارهای نیکی که شوهر به او می فرماید انجام ندادن و آن (کارهای) بیهوده‌ای را که (شوهر) نکردن آنها را توصیه می کند انجام دادن و هر (یک از این) ۲ (حالت باید) ۳ بار رخ دهد» (بهرامان، ۱۳۹۱: ۲۹۵). در *اردویرافنامه* هم از زنانی یاد شده که برخلاف همسران خود کارهای نیک انجام نداده‌اند: ایشان به مستحقان و درویشان بخشیده‌اند ایزدان را ستایش نکرده‌اند. اندیشه، گفتار و کردار بد داشته‌اند. بنابراین مرد به بهشت و زن به دوزخ می‌رود. زن در آن هنگام می‌گوید:

در میان زندگان همه تن تو بر من سالار و پادشا (=مسلط) بود و تن و جان و روان من از آن تو بود و خوراک و نگاهداری و پوشش من از تو بود. پس تو چرا مرا برای این کار آسیب نرساندی و مجازات نکردی چرا که نیکی و نیکوکاری نیاموختی که آنگاه نیکی و نیکوکاری کنم تا اکنون لازم نباشد که این آزار و رنج را متحمل شوم (*اردویرافنامه*، ۱۳۷۲: ۸۲).

همچنین به زن گناهکاری اشاره شده که گناهِش خوردن گوشت بسیار به صورت پنهانی از همسرش بوده است (همان: ۸۸) این موضوع نشان می‌دهد که زن هیچ موردی را نباید از همسرش پنهان می‌کرده و این نشانه احترام وی بوده است. لازم به ذکر است که زن در مورد «معاوضه» در امور تجاری و اقتصادی نیز در صورتی اختیار کامل داشته که همسرش به او

می‌گفته این کار را انجام بده و در غیر این صورت حق برداشت یک چهارم سود را داشته و چنانچه فراتر از این سودی برداشت می‌کرده، دزدی محسوب می‌شده است (بهرامان، ۱۳۹۱: ۱۸۹). دکتر مظاهری تاکید کرده که این احترام و فرمانبرداری بیشتر جنبه اخلاص داشته تا «انقیاد»؛ و استقلال زن از منظر حقوقی و اقتصادی در دوره مذکور حفظ می‌شده است. در واقع چنانچه زن پیمان زناشویی و همدلی را تمام و کمال بجا می‌آورد؛ «ملکه» خانواده باقی می‌ماند (مظاهری، ۱۳۷۷: ۸۷).

علاوه بر احترام، وفاداری به همسر نیز در اولویت بوده است. در این زمینه نامها و اصطلاحات متفاوتی مطرح شده است به عنوان مثال زنی که به صورت غیرمشروع خود را در اختیار چهار مرد قرار دهد فاحشه محسوب می‌شود همچنین زنی که در عرض یک ماه خود را در اختیار دو مرد قرار دهد به عنوان روسپی شناخته می‌شود و اگر زنی در عرض یک روز خود را در اختیار دو مرد قرار دهد «جه» به شمار می‌آید. لازم به ذکر است، در صورت خیانت و عدم وفاداری زن، مرد باید ابتدا وی را وادار به توبه کند و پس از آن کامل وی را تحت نظر داشته باشد تا دیگر چنین گناهی نکند (روایت امید آسوه‌هستان، ۱۳۷۶: ۳۷). خیانت زن و اثبات آن دلیل محکمی بر جواز طلاق محسوب می‌شد البته مرد خطاکار نیز جریمه می‌شد (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۶۶). در *اردویرافنامه* مجازات‌های اخروی بسیاری برای زنانی که به همسرانشان وفادار نبوده‌اند، ذکر شده است. مجازات زنی که روسپی باشد آویخته‌شدن از پستان در دوزخ و جویدن تن او توسط جانوران موذی است (*اردویراف‌نامه*، ۱۳۷۲: ۶۵) در یک مورد نیز بیان شده مجازات زنی که به همسر خوش اخلاق و فرزانه خود بی‌وفایی کرده و با مردی گناهکار و بد اخلاق هم‌پیمان شده است، این است که «روی تن او پوست آهنین کشیده و او را با دهان باز آورده و باز روی تنور گرم نهاده بودند» (همان: ۸۸). همچنین مجازات زنانی که برای مردان غریبه خویش را آراسته‌اند این آمده که پستان خود را با شانه‌ای آهنی می‌بریده است. مجازات‌های دیگری که برای این دسته زنان ذکر شده این است که بر سر و روی ایشان تگرگ و برف می‌بارید و به زیر پای ایشان روی گرم گذاخته روان بوده است همچنین سر و روی خویش را با کارد می‌دریده‌اند. در جای دیگر نیز مجازات این زنان زدن میخ چوبی در دو چشمشان، آویخته‌شدن از یک پا و گزیده‌شدن توسط جانوران موذی از دهان، بینی، گوش و مقعد است (همان: ۷۹-۸۰، ۸۲-۸۳، ۸۷). در جای دیگر نیز به مجازات مردانی که با زن شوهردار

رابطه داشته‌اند اشاره شده که تن او را در دیگری کرده و او را می‌پزند درحالی که پای راست وی بیرون از دیگ بوده است (همان: ۷۸).

یکی از خصوصیات دیگری که تاکید بر آن قابل توجه بود خردورزی و «فرزانگی» است (جاماسب آسانا، ۱۳۷۱: ۱۰۳). براساس گاتاها، زن آزاد است که با خرد و شناخت خویش، هرآنچه را به مصلحت خود میبیند، انتخاب کند. همانطور که زرتشت دختر خود پوروچیستا را در انتخاب شوهر آزاد می‌گذارد و به وی می‌گوید: من از برای تو جاماسب را به شوهری برگزیدم، اما تو پس از مشورت با خردت تکلیف پارسایی خویش به جای آر (گات‌ها، ۱۳۷۷: ۱۴۳). در این زمینه مستنداتی در باب ایزدبانوان و امشاسپندان مونث نیز وجود دارد: «ارت» (یشت‌ها، ۲۵۳۶، ج ۱: ۱۸۶-۱۸۷)؛ «سپندارمذ» و «دئنا» که از «چهره‌های جاویدان خرد یا حکمت (سوفیای) جاودانی‌اند» (ستاری، ۱۳۶۸: ۱۶۳، ۱۶۵). «اشی یا اهریشونگ» که پیشرفت و آسایش و همچنین خرد و مال می‌بخشد؛ «چیستا» که ایزدبانوی دانش، آگاهی و فرزانگی است و راه درست را نشان می‌دهد (یشت‌ها، ۲۵۳۶، ج ۲: ۱۵۸، ۱۷۴-۱۷۸)؛ «اشتاد» (ارشتاد) نیز ایزدبانوی عدالت است (آموزگار، ۱۳۸۹: ۱۸-۳۷) و در واقع ترازوی عدالت بر دست کسی است که به‌پشتوانه خردمندی می‌تواند با عدالت سنجش کند. با توجه به مجموعه خصوصیات اخلاقی زن آرمانی، می‌توان گفت که ایرانیان در دوره ساسانی نه‌تنها سازش، اطاعت، دوستی و محبت زن نسبت به همسر خویش را نافی خردورزی نمی‌دانستند بلکه زن خردمند را با اینگونه خصوصیات توصیف می‌کردند.

۳.۱.۲ اهمیت به روابط زناشویی

یکی از مواردی که در زندگی خانوادگی بر آن بسیار تاکید شده، روابط زناشویی است. این موضوع به قدری مهم بوده که توصیه‌های دینی هم در مورد نحوه نزدیک شدن مرد به همسر خود در هنگام رابطه زناشویی آمده است: «مرد باید به روشنی خورشید یا آتش به نزدیک زن خویش رود، چه اگر چنین کند دیوان آسیب کمتر بدو کنند. فرزند که زاید در پرهیزکاری پرهیزکارتر و پیروزگرت‌تر باشد» (روایت پهلوی، ۱۳۸۹: ۲۸۹). از سوی دیگر زن هم باید اطاعت می‌کرده و عدم فرمانبری در این زمینه مجازات مرگ را به‌دنبال داشته چنانچه زنی که سه بار به شوهر خود می‌گفته: «زنی تو نکنم» شایسته مرگ بوده است (همان: ۲۸۸). در *ارداویراف‌نامه* مجازات‌های متعددی برای اینگونه زنان در دنیای دیگر تصویر شده است که می‌توان به لیسیدن اجاق گرم و سوزاندن دست زیر آن

(*رداویراف‌نامه*، ۱۳۷۲: ۷۹-۸۰)، فرورفتن خارپشت آهنی در بدنشان و رفتن نطفه دیوان و «دروجان و بدبویی و ریمنی در دهان و بینی» به اندازه یک انگشت (همان: ۸۳) را اشاره کرد. به دلیل اهمیت این موضوع، تاکید بر آن در انواع ازدواج‌های دوره ساسانی صورت گرفته است. در دینکرد پنجم در مورد روابط جنسی مرد با زنی که از طریق پادشازنی ازدواج نکرده است هم توصیه شده همراه یک بار با او نزدیکی کند (کتاب پنجم دینکرد، ۱۳۸۶: ۵۸). البته منابع ضمن تاکید بر روابط جنسی زن با همسر خویش، از سوی دیگر آن را در دوران دشتان بسیار نهی کرده و انجام آن را مستوجب مجازات سنگین دانسته‌اند^۷ قابل توجه است زنی که در این دوره با مخفی‌کاری شوهر را مجبور به رابطه می‌کرد مستحق طلاق می‌شد (*روایت امید آسوهیشتان*، ۱۳۷۶: ۴۵). و مردی هم که دانسته تن به این کار می‌داد «پانزده تنافور و شصت استیر گناه» بر عهده‌اش قرار می‌گرفت (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۶۴). در *رداویراف‌نامه* هم گناه مردی که در دوران دشتان با زن خویش همخوابگی کرده است، خوردن آلودگی دشتان زنان و همچنین پختن فرزندش و خوردن آن ذکر شده است (*رداویراف‌نامه*، ۱۳۷۲: ۶۴). در دینکرد پنجم نیز نزدیکی با زن در حالت دشتان از نوع «نزدیکیهای جنسی بد» محسوب شده است (کتاب پنجم دینکرد، ۱۳۸۶: ۴۸) و حتی تاکید شده «تاآنجا که امکان دارد و بتوان زن را در دوران دشتان (=حیض) جدا نگاه داشتن» (همان: ۵۸). این قرنطینه برای زنانی که فرزند مرده به دنیا می‌آوردند نیز وجود داشته است^۸ لازم به ذکر است اهمیت روابط زناشویی در *اوستا* نیز ملاحظه می‌شود: «زنان عزیزشان روی تختهای زیبا با بالشها آراسته خود آرمیده و خود را زینت می‌کند ... چه وقت خانخدا بسوی ما خواهد آمد چه وقت او از ما شاد گشته و از تن ما تمتعی خواهد داشت» (یشت‌ها، ۲۵۳۶، ج ۲: ۱۸۸). نکته قابل ملاحظه اینکه پیکره‌های برهنه و عریان از زنان از عیلام (۲۰۰۰-۳۱۰۰ پ.م) به دست آمده است که یک گروه از آنان جنبه مذهبی و یا باروری نداشته و به عنوان هدیه برای شخص متوفی در قبر می‌گذاشتند (اعظم‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۹) می‌توان تحلیل کرد که این پیکره‌ها را به عنوان همراه و با تصور لذت و تمتع جنسی فرد فوت‌شده در قبر می‌گذاشتند که حاکی از اهمیت روابط جنسی در آن دوره بوده است.

۴.۱.۲ قدرت باروری

با توجه به منابع و اسناد بجا مانده، در تفکر ساکنان فلات ایران باروری زن از فضائل و حتی ملاک‌های زیبایی محسوب می‌شده است. در *اوستا* به بدنهای نیکوی زنان به‌منظور

باروری اشاره شده است (یشت‌ها، ۲۵۳۶، ج ۱: ۲۴۹) حتی در باب خویشکاری‌های ایزد بانوان ایرانی هم بارها این موضوع مورد ملاحظه قرار گرفته است. در آبان‌یشت یکی از وظایف آن‌هاید پاک کردن رحم زنان و نطفه مردان است (همان: ۲۳۵) و همچنین در ارت‌یشت آمده است: «در نخستین گله شکوه کند ارت نیک بزرگوار از زنی که فرزند نزاید» (همان، ج ۲: ۱۹۹). ارتباط زن با آب و زمین (آناهید، سپندارمذ) که در اساطیر مطرح است نیز یکی از مشخصه‌های اهمیت به باروری در زنان بوده است. صفت بی‌مرگی که به امشاسپندان امرداد و خورداد نسبت داده شده، می‌تواند تحلیل دیگری از اهمیت به باروری در زنان باشد (همان، ج ۱: ۹۵) زیرا زن با باروری و زاینده‌گی، حیات را ادامه می‌دهد و در واقع مقابل مرگ می‌ایستد. این موضوع در شمایل‌نگاری‌های پیش از تاریخ نیز برجسته است. در پیکره‌های الهه باروری از تپه سراب و حاجی فیروز، متعلق به اوایل و اواسط هزاره ششم پ.م بعضی از اندامها مانند پستانها و شکم که مرتبط با باروری هستند، بسیار برجسته‌ترند (اعظم‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۹). در جزئیات اندام برخی از پیکرک‌های برهنه که از شوش متعلق به هزاره دوم و سوم پ.م به دست آمده، نافی درشت و شیار بارداری روی شکم دیده می‌شود (دیمز، ۱۳۸۸: ۴۰). به‌زعم برخی منابع نقش زنان روی سفالها در پیش از تاریخ که بیشتر با کمر باریک و رانهای پهن و بزرگ تصویر شده‌اند اشاره به اهمیت قدرت باروری زن دارد (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۷۵).

به‌تبع این پیشینه در دوره ساسانی نیز موضوع تولیدمثل و زایش بسیار مهم بوده تا حدی که مردانی که نطفه خود را هدر می‌داده‌اند گناهکار شناخته شده و به‌توان آن باید اوستا می‌خواندند تا از آستن‌شدن دروج جلوگیری کنند (روایت پهلوی، ۱۳۸۹: ۳۹۳، ۲۳۸). در متون فقهی زرتشتی در دوره ساسانی توصیه اکید به فرزندآوری شده و فلسفه اصلی آن را «کرفه بیش اندوختن» بیان کرده است (شایست‌ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۲۹). این اهمیت درحالی است که طبق باور دینی ایرانیان باستان اگر زن در هنگام زایمان فوت می‌کرد «به‌خاطر وظیفه‌شناسی و (انجام) بزرگترین کار برای مرد، کرفه‌اش بیش‌تر» بوده است (آذر فرنیغ فرخزادان، ۱۳۸۴: ۱۰۶). به‌تبع این تأکیدها سقط جنین در هرشرایطی حتی در موارد بارداری خارج از روابط زناشویی نیز ممنوع بوده است، و پیرزنانی که در کار سقط جنین گیاهی ورزیده بوده‌اند از شهرت خوبی برخوردار نبوده‌اند (گرشویچ، ۱۳۸۴: ۵۵۲). به همین دلیل حتی فرزندان ارتباط نامشروع نیز در پناه قانون بودند و «پیک خدا» نامیده می‌شدند (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۲۲). در *ارداویرافنامه* گناه زنانی که فرزند خود را سقط کرده‌اند

بسیار سنگین است و مجازات آنان در دنیای دیگر این است که «به پستان خویش کوهی می کند و سنگ آسیابی را همانند مرده‌ای (؟) (=نعشی) بر سر خویش داشت» (رداویراف‌نامه، ۱۳۷۲: ۷۲). سقط جنین حتی در موارد بارداری نامشروع نیز گناه محسوب می شده چنانچه در ارداویراف‌نامه به زنی اشاره شده که از طریق رابطه غیر مشروع صاحب فرزند شده و فرزند خود را سقط کرده و یکی از مجازاتهایش شنیدن صدای کودکش است و دنبالش می دود و خود را می درد اما او را پیدا نمی کند (همان: ۸۰، ۸۶). ترسیم چنین مجازات‌هایی حتی در موارد روابط غیرمشروع حاکی از اهمیت فرزندآوری و همچنین تاکید بر قدرت باروری زنان است.

۵.۱.۲ اهمیت به پرورش جسمی و روحی فرزند

به تبع اهمیت باروری زن که پیشتر اشاره شد، تولیدمثل و زایمان نیز مهم بوده و این موضوع به قدری مورد توجه بوده است که در متون فقهی در مورد زمان مناسب آن هم توصیه‌هایی شده به عنوان مثال بیان شده است که زایمان در شب انجام نشود زیرا «پتیاره بزرگ به آن پیوسته باشد» مگر اینکه در روشنی ستاره یا آتش این کار انجام شود (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۵۴). همچنین برای زایمان یک زن، ده زن باید حضور می داشته و کمک می کرده‌اند:

پنج زن را در مورد گاهواره باید کار فرمود، و یک زن پذیره شانه چپ، و یک زن پذیره شانه راست کردن، و یک زن دست بر گردن او افکندن، و یک زن میان او را گرفتن، و یک زن چون کودک زاده شود، او را برداشتن و ناف بریدن (همان: ۱۲۶).

بعد از تولد کودک هم ضروری بوده که آتش را افروخته و بلند کنند و سه شبانه روز بین آتش و کودک کسی گذر نکند. همچنین هشدار داده شده که کودک را به مرد و زن گناهکار نشان ندهند (همان: ۱۲۶-۱۲۷). مهمترین موضوع در پرورش فرزند، تلاش در جهت سلامت وی بوده است که شیردهی مادر به وی نمونه بارز آن است. شیردهی مادر به فرزند نزد ایرانیان آنقدر مهم بوده است که در *اوستا* نیز بر این امر تاکید شده و اشاره به دایه شیرده نشده است. یکی از وظایف ایزد آناهیتا شیر بخشیدن به سینه مادران حامله است (یشت‌ها، ۲۵۳۶، ج ۱: ۲۳۵). به تبع این اهمیت، مادرانی که این کار را نمی کردند در واقع گناه بزرگی انجام می دادند؛ چنانچه در *رداویراف‌نامه* زنانی که کودک خود را درحالی که به آنان

نیاز داشته و گرسنه بوده، رها کرده‌اند بسیار گناهکار هستند و مجازات آنان در دوزخ این است که در حال گریه پوست و گوشت پستان خود را کنده و می‌خورد. گویا در دوره ساسانیان کسانی بودند که به فرزند خود شیر نمی‌داده بلکه برای دریافت پول، به فرزند شخص دیگری شیر می‌دادند که در *ارداویرافنامه* برای این اشخاص عذاب سخت ترسیم شده است (*ارداویرافنامه*، ۱۳۷۲: ۷۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲). اهمیت به نقش مادر در پرورش کودک به شیردهی ختم نمی‌شده است و تربیت سالهای ابتدایی کودک مرحله مهمی در زندگی وی بوده که بر عهده مادر قرار داشته‌است. کریستن سن بیان می‌کند در زمان ساسانیان، تربیت طفل بر عهده مادر بود و در صورت نیاز به کمک، پدر خانواده، خواهر یا دختر بزرگ خود را به تربیت کودک می‌گماشت (کریستن سن، ۱۳۴۵: ۳۵۱) مظاهری نیز بر سنت پرستاری پیوسته مادر از کودک تا ۵ سالگی تاکید کرده است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۹۵). گویا این سنت هم دارای پیشینه فرهنگی و تاریخی در بین ایرانیان بوده است. منابع یونانی مربوط به قبل از دوره ساسانی بر اهمیت حضور مادر در کنار کودک در سالهای نخست اذعان کرده‌اند. طبق گفته هروودت ایرانیان تا سن ۵ سالگی نمی‌گذاشتند، فرزندان نزد پدرشان بیایند و آنها را نزد زنان می‌گذاشتند البته دلیلی که وی ذکر می‌کند این است تا اگر کودک زود می‌مرد، پدر کودک از مرگ او غصه‌دار نشود (هروودت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۹). استرابو نیز بودن فرزند با مادر را تا ۴ سالگی ذکر می‌کند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۵). هرچند استدلال هروودت، اغراق‌آمیز یا دور از واقعیت به نظر می‌رسد. اما آنچه مسلم است، اهمیت حضور و نقش مادر بیش از پدر، در پرورش جسمی و روحی فرزند بوده است. پس از این سن، پدر و مادر هر دو در تربیت فرزند و آموختن ادب، علوم دینی و سایر موارد نقش مهم داشته‌اند. هرچند که پدر بیشتر به حوزه تعلیم و پرورش پسر و مادر به حوزه تعلیم و پرورش دختر می‌پرداخت (مظاهری، ۱۳۷۷: ۲۰۲). که به احتمال بیشتر در حوزه امور خانه و کارهای مربوطه بوده است.

۶.۱.۲ تدبیر اقتصادی و استقلال مالی

طبق منابع در دوره ساسانی مرد می‌توانست با سندی قانونی زن را در اموال، شریک خود سازد (بهرامان، ۱۳۹۱: ۲۶۱-۲۶۲) و عملاً به زن حق تصرف داده می‌شد و زن می‌توانست با شخص سومی وارد معامله و معاوضه شود و در این صورت زن شخصیت حقوقی مستقل داشت. در مواردی نیز شوهر این امکان را داشت که با همسر ممتاز خود «اشتراک

منفعتی» برقرار کند که در این شرایط منفعت هر یک از همسران با شوهر مشترک بود اما هریک به صورت مجزا مالک منفعت خود بودند. در قوانین حقوقی دوره ساسانی آمده است: «چنانچه شوهری به زن (خود) بگوید که (این چیز را) معاوضه کن»، (آنگاه) زن در انجام معاوضه کامل مختار است و اگر (آن عبارت را) نگفته باشد، آنگاه (زن در معاوضه‌ای برابر با) یک چهارم سود برای شوهرش اختیار دارد» (همان: ۱۸۹). طبق همین قوانین حقوقی زن می‌توانست طبق سندی که همسرش مهر کرده بود بعد از مرگ وی، مالکیت دیگران را بر اموال همسرش تأیید و یا رد کند (همان: ۲۵۸). اهمیت این شایستگی نیز در بین ایرانیان نیز دارای پیشینه بوده است. منابع باستان‌شناسی حاکی از آن است که زنان ایرانی متاهل در دوره‌های قبل از ساسانی در اجتماع حضور داشته و در بیرون از منزل نیز کار می‌کرده و به تبع آن درآمد داشته‌اند. در دوره حکومت عیلامیان تصویر زنان در حال انجام فعالیت‌های روزمره مانند سفالگری، بافندگی، ریسندگی، پذیرایی در مجلس مهمانی، رقص و نوازندگی و دامداری (اعظم زاده، ۱۳۹۴: ۴۷-۴۸) روی مهرها حک شده است که همه نشانگر حضور پررنگ زن در اجتماع بوده است. بررسی دقیق لوح‌های تخت جمشید حاکی از آن است که زن در دوره هخامنشی بخصوص دوره داریوش دارای حقوق مستقل اقتصادی و اجتماعی بوده است (کخ، ۱۳۷۶: ۲۷۸). منابع به اسناد مربوط به پرداخت مالیات از جانب زنان در دوره هخامنشی نیز اشاره کرده‌اند که نشانه این بوده که برخی زنان دارای شغل مجزا و احتمالاً پردرآمدی بوده‌اند که ملزم به پرداخت مالیات می‌شده‌اند (بروسیوس، ۱۳۸۱: ۲۳۵، ۲۴۱). پیرو موضوع استقلال مالی، بحث حق مالکیت زنان نیز مطرح می‌شود که مربوط به گذشته‌های دور در فرهنگ ایران است. تحقیقات نشان داده زنان شهر سوخته مهرهای شخصی داشته‌اند که نشانگر حق مالکیت ایشان بوده‌است (نوزایی و شه‌بخش، ۱۳۸۵: ۱۳۰). در زمینه استقلال مالی زن، شاید بتوان این نظر را مورد ملاحظه قرار داد که نیاز مالی خانواده سبب می‌شده زن بیرون از منزل کار کند و به تبع آن استقلال مالی و حق مالکیت نیز نصیبش شود اما در مورد حق مالکیت و استقلال مالی زنان طبقه دربار نمی‌توان چنین تحلیلی را مطرح کرد. در این زمینه اسناد مرتبط بسیار زیاد است و تأیید آشکاری بر ارزش استقلال زن در حوزه مالی و مالکیت در تفکر ایرانیان باستان است. طبق منابع، زنهای خانواده هخامنشی از موقعیت بالایی برخوردار بوده‌اند. در لوح‌های گلی دیوانی تخت جمشید افرادی مشاهده می‌شوند که خزاین ملکه آرتیستونه و ملکه اپاکیش را از کرمان حمل کرده‌اند. این حمل و نقل میتوان به درآمد املاک این ملکه‌ها در کرمان مربوط شود (کخ،

۱۳۷۶: ۲۷۱-۲۷۲). برخی از نویسندگان یونانی نیز از زمینهایی که در مالکیت همسر شاه بوده نام برده‌اند. زنان دربار هخامنشی مهرهای شخصی داشته‌اند و نظارت کامل بر زمینهایشان داشته‌اند و می‌توانستند آن را اجاره دهند (بروسیوس، ۱۳۸۱: ۲۳۴).

۳. نتیجه‌گیری

مفهوم زن آرمانی در دوره ساسانی در ارتباط با ازدواج و تشکیل خانواده معنا داشته است. در دوره ساسانی ازدواج امری مهم و موکد بود و هدف از آن به‌کمال‌رسیدن انسان در همه زمینه‌ها بوده است و از آنجاکه تنها ازدواج موفق انسان را به‌کمال می‌رسانده است بنابراین اهمیت انتخاب همسر آرمانی بسیار زیاد بوده است. از سوی دیگر از تبعات مهم ازدواج، تولیدمثل و فرزندآوری است که زن نقشی ویژه در آن دارد و نه تنها در چند سال اول زندگی کودک نقش اصلی را در پرورش و تربیت وی بر عهده داشته بلکه می‌توانسته واسطه‌ای برای انتقال فره ایزدی به فرزند بوده باشد بنابراین اهمیت به شایستگی زن در جایگاه همسر و مادر بسیار مورد تاکید بوده است. فرهنگ ایرانی در دوره ساسانی در این زمینه انتظاراتی را در نظر داشته که در منابع مکتوب و مصور آن دوره منعکس شده است که مجموع آنان در واقع مفهوم زن آرمانی در آن دوره بوده است که تلاش شد این مولفه‌ها در این مقاله آورده شود. بسیاری از این خصوصیات با توجه به منابع باستان‌شناسی و همچنین منابع مکتوب متعلق به دوره‌های قبل از ساسانی، پیشینه بسیار زیادی دارد که نشانه عمق ریشه آنان در تفکر و فرهنگ ایرانی است. این خصوصیات در متون مکتوب دوره ساسانی به صورت تاکید و ایجابی بیان اما به نظر می‌رسد در دوره‌های قبل که منابع بیشتر تصویری و تمثیلی هستند، به حالت آرزو مطرح شده‌اند. اما در هر دو صورت مجموعه این خصوصیات مولفه‌های زن آرمانی در هر دوره محسوب می‌شده‌اند.

یک دسته از خصوصیات زن آرمانی در دوره ساسانی در ارتباط با خصوصیات ظاهری است که نقش و نگارهای بجا مانده نیز بر آن صحنه گذارده است. اهمیت خصوصیات زیبایی در زنان در دوره ساسانی با تاکید بیشتر بر لذت‌جویی بخصوص در زمینه جنسی همراه بوده است. البته علاوه بر حظ جنسی، می‌تواند به دلیل اهمیت زن در فرایند ادامه نسل بوده باشد تا نسلی که توسط او تداوم می‌یابد دارای بیشترین ویژگی‌های زیبایی، ظاهری و حتی سلامتی باشد. دسته دیگر و البته با شمول بیشتر از خصوصیات و ویژگی‌ها، در ارتباط

با خصوصیات اخلاقی است که توسط پاداش و مجازات‌های دینی ضمانت اجرای آن محکم و برقرار شده است. در حوزه خصوصیات اخلاقی در صورت کلی تاکید بسیار بر حیا، محبت، نرمش، دوستی و سازش زن است که طبیعتاً با خصوصیات دیگر مورد تاکید مانند فرمانبرداری و اطاعت از همسر، وفاداری و تعهد تمام به وی در ارتباط مستقیم است. همچنین به دلیل تاکید بر فضیلت خردورزی در زنان، می‌توان تمامی این خصوصیات اخلاقی مورد انتظار از زن آرمانی را ذیل خردورزی محسوب کرد که این‌ها در برخی منابع به صورت مستقیم نیز اشاره شده است. در واقع زن خردمند به منظور حفظ زندگی و خانواده خود به این نتیجه می‌رسیده که باید با محبت و سازش و تدبیر با همسر و فرزندان تعامل کند. حکما ویژگی‌هایی را نیز در موضع مادری و ارتباط با فرزند بیان کرده‌اند که شیردهی و اهمیت به پرورش جسم و روان وی از این دسته است. یکی از موارد دیگری که در کنار تمامی این موضوعات بسیار مورد تاکید بوده است، اهمیت زن به روابط زناشویی و جنسی با همسر خویش است که مرتبط با خصوصیات اطاعت، فرمانبرداری و تعهد به همسر نیز بوده است. یکی دیگر از ویژگی‌هایی که براساس منابع تاریخی برای زنان ارزش محسوب می‌شده، استقلال مالی و مالکیت در عین تاکید بر حفظ حرمت همسر بوده است. مجموع این خصوصیات در واقع انتظارات جامعه و فرهنگ ایرانی از زن در دوره ساسانی بوده که البته با توجه به پیشینه تاریخی می‌توان این انتظارات را متعلق به دوره زمانی وسیعتر و فراتر از ساسانی در نظر گرفت. هرچند خصوصیات مطرح‌شده در متون فارسی میانه توسط نویسندگان مرد بیان شده و به نوعی فضایی مردسالارانه را نشان می‌دهد که این‌ها تاکید بر اطاعت و فرمانبرداری زن از همسر خویش بسیار زیاد است اما با این حال وجهه دیگر این تذکرها بر اهمیت نقش زن در خانواده تصریح آشکار دارد و حاکی از اهمیت نقش وی به عنوان رکن مهمی از خانواده بوده است. مواردی چون اهمیت آرامش و دوستی وی در خانواده که ناشی از فرزاندگی و خردمندی او بوده و همچنین نقش وی در تربیت و پرورش فرزند مصداق آن است؛ هرچند که اهمیت این رکن، زیر سایه قدرت مردانه ارزش و مفهوم می‌یافته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. شاید یکی از فلسفه‌های اهمیت ازدواج ناشی از این باور باشد که نظم زندگی خصوصی سبب نظم زندگی عمومی خواهد شد. به همین دلیل در باور دینی ایرانیان باستان مرد متأهل مقامی بس بالاتر از مرد مجرد داشته و تنها مردان متأهل می‌توانستند به مقامها و مناصب بالاتر حکومتی دست یابند (مظاهری، ۱۳۷۷: ۳۸-۳۷).

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به یشت‌ها، ۲۵۳۶، ج ۱، مهریشت: کرده ۱ (بند ۲)؛ کرده ۵ (بند ۱۹ و ۲۰)؛ کرده ۶ (بند ۲۳)؛ کرده ۷ (بند ۲۶)؛ کرده ۹ (بند ۳۸ و ۳۹)؛ کرده ۱۰ (بند ۴۵)؛ کرده ۱۱ (بند ۴۸)؛ کرده ۱۵ (بند ۶۲)؛ کرده ۲۰ (بند ۸۰)؛ کرده ۲۱ (بند ۸۲)؛ کرده ۲۵ (بند ۱۰۱)؛ کرده ۲۷ (بند ۱۰۴)؛ کرده ۲۹ (بند ۱۱۶)؛ کرده ۳۱ (بند ۱۳۳).

۳. طبق قوانین حقوقی دوره ساسانی دختر می‌توانست بدون رضایت پدر ازدواج کند هرچند که برخی از شرایط را از دست می‌داد اما به هر صورت قانون به وی اجازه این تمرد را می‌داد چنانچه در *مادیان هزاردستان* آمده است که «مرد اختیار دارد که دختر خویش را (حتی) با نارضایتی آن دختر به سرپرستی (کسی) بگمارد ولی اختیار ندارد که (او را بدون رضایت خودش) به همسری (کسی) وادارد ... زیرا (ایجاد رابطه) زناشویی به خود (دختر) مربوط می‌شود» (بهرامان، ۱۳۹۱: ۱۸۵-۱۸۶).

۴. این اصطلاح بیانگر اقتدار زناشویی بوده است که تنها مختص به همسر بوده است. اقتدار سرداریه نیز اقتدار مرتبط با پدر شوهر بوده که جنبه زناشویی نداشته است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۷۳).

۵. در کنار تمامی تکالیف و انتظاراتی که بر عهده زن بوده؛ مرد نیز تکالیفی بر عهده داشته است. وی نیز باید نهایت احترام، دوستی و پشتیبانی را از همسر خود بجا می‌آورده است (مظاهری، ۱۳۷۷: ۱۱۴).

۶. حیض

۷. در دوره حیض زن باید در قرنطینه به سر می‌برد. طبق متون فقهی زرتشتی در این دوره «زن باید جایی بنشیند که ۱۵ قدم، که هر قدم آن سه پا باشد، دور از آب و ۱۵ قدم دور از آتش و ۱۵ قدم دور از «برسم» (گیاه مقدس که برای روشن کردن آتش مقدس بکار می‌رود) و سه قدم دور از مرد روحانی باشد» (شایست ناشایست، ۱۳۷۶: ۲۰۱ (پاورقی)). حتی لباس این دوره را نیز نباید در معرض باران قرار می‌دادند زیرا گناه محسوب می‌شد (همان: ۲۰۱). در متن شایست ناشایست به «خانه دشتان» یا «دشتانستان» که محل اقامت زنانی که حیض (قاعدگی) بوده‌اند اشاره شده

است (همان: ۲۹، ۵۴). غذایی که از زن دشتان باقی می ماند را نه تنها نباید کسی می خورد زیرا آلوده بود بلکه در وعده بعد، خود زن نیز نباید آن را می خورد (همان: ۶۵، ۶۰).

۸. در *وندیباد* در این باره آمده است: «ای دادار (جای نگهداری زنی که کودک مرده به دنیا آورده است) چه اندازه فاصله از آتش، چه اندازه فاصله از آب، چه اندازه فاصله از برسم بسته شده، چه اندازه فاصله از مردان پرهیزگار (داشته باشد)؟ آن گاه گفت اهورامزدا: سی گام از آتش، سی گام از آب، سی گام از برسم بسته شده، سی گام از مردان پرهیزگار» (کتاب *مغان وندیباد*، ۱۳۸۵: ۳۲۰). حتی پوشاک وی نیز پس از قرنطینه، با وجود شستشو قابل استفاده نبوده است (همان: ۳۲۲).

کتابنامه

- اردویرافنامه* (۱۳۷۲)، حرف نویسی، آوانویسی، ترجمه متن پهلوی، واژه نامه فیلیپ ژینیو. ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران: شرکت انتشارات معین، انجمن ایرانشناسی معین، چاپ اول.
- استرابو (۱۳۸۲)؛ *سرزمینهای زیر فرمان هخامنشیان در جغرافیای استرابو*، مترجم همایون صنعتی زاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- اعظم زاده، محمد (۱۳۹۴)، *درآمدی بر پیکره سازی زن در ایران باستان*، تهران: مارلیک.
- اندرزنامه بزرگمهر حکیم* (۱۳۵۰)، ترجمه دکتر فرهاد آبادانی، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- آذرباد ایمیدان و آذرباد فرنیغ فرخزادان (۱۳۹۲)، *بررسی دینکردششم، آوانویسی، مقدمه و برگردان فارسی از مهشید میرفخرایی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آذر فرنیغ فرخزادان (۱۳۸۴)، *روایت آذر فرنیغ فرخزادان (رساله ای در فقه زردشتی منسوب به سده سوم هجری)*، آوانوشت، ترجمه، توضیحات و واژه نامه از حسن رضایی باغ بیدی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۶)، *زبان، فرهنگ و اسطوره*، تهران: معین، چاپ پنجم.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۹)، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران: سمت، چاپ ۱۲.
- بارتلمه، کریستیان (۱۳۳۷)، *زن در حقوق ساسانی*، ترجمه و ملحقات از ناصرالدین صاحب الزمانی، تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی.
- بروسیوس، ماریا (۱۳۸۱)، *زنان هخامنشی*، ترجمه هایده مشایخ، تهران: هرمس.

تحلیل مفهوم زن آرمانی ایرانی ... (فائزه عقیقی) ۳۰۹

بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد بن بلعمی (۱۳۴۱)، *تاریخ بلعمی (تکمله و ترجمه تاریخ طبری)*، به تصحیح محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ.

بنی هارونی، تینا (۱۳۹۸)، *کهن‌الگوی زن در اساطیر باستان (ایران، بین‌النهرین، مصر، هند، یونان و روم)*. کرج: انتشارات مینو.

بهرامان، فرخ‌مرد (۱۳۹۱)، *مادیان هزار دادستان (هزار رای حقوقی)*، پژوهش سعید عریان، تهران: نشر علمی.

بیانی، شیرین (اسلامی ندوشن) (۱۳۷۹)، *نقش زن در ایران باستان*، (بی‌جا): انجمن زنان پژوهشگر تاریخ

پک، السی (۱۳۸۲)، «دوره ساسانیان»، *پوشاک در ایران زمین (مصور)*، تالیف گروه نویسندگان زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، مقدمه علی بلوک‌باشی، تهران: امیرکبیر، صص ۸۳-۱۱۲.

جاماسب آسانا (۱۳۷۱)، *متون پهلوی*، گزارش سعید عریان، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

خسرو قبادان و ریدکی (۱۳۶۶)، گزارش سعید عریان، *چیستا*، شماره ۹، ۱۰۷۲-۱۰۷۹.

خیرخواه، عباسعلی (۱۳۹۷)، *پادشاه‌زن: نگاهی به حقوق زنانی در ایران باستان*، تهران: سبزان دادور، ابوالقاسم، نشاط، روشنگر (۱۳۸۷)، *نقش زن در آثار هنری دوره ساسانیان*، سمنان: آبرخ دریایی، تورج (۱۳۸۶)، «زن در دوره هخامنشی: پاره‌ای ملاحظات مقدماتی»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۲۱، شماره ۲، سال ۲۲، شماره ۱، صص ۵۹-۵۰.

دیمز، اورلی (۱۳۸۶)، *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام*، ترجمه علی‌اکبر وحدتی، تهران: نشر ماهی.

راسل، جیمز (۱۳۸۲)، «چادر در میان زرتشتیان»، *پوشاک در ایران زمین (مصور)*، تالیف گروه نویسندگان زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، مقدمه علی بلوک‌باشی، تهران: امیرکبیر، صص ۴۲۳-۴۲۴.

روایت امید آشنو‌هیشتان (۱۳۷۶)، تدوین، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی از زهت صفای اصفهانی، تهران: نشر مرکز.

روایت پهلوی (۱۳۸۹)، آوانویسی، برگردان فارسی، یادداشتها و واژه‌نامه از مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

روشن‌ضمیر، بهرام (۱۳۹۷)، «زن و جنسیت در دوره ساسانی»، *پارسه*، شماره ۳۰.

شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۲)، «دوران مادها و هخامنشیان»، پوشاک در ایران زمین (مصور)، تالیف گروه نویسندگان زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، مقدمه علی بلوک‌باشی، تهران: امیرکبیر. صص ۴۱-۷۴

شایست ناشایست، متنی به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی) (۱۳۶۹)، آوانویسی و ترجمه از کتابیون مزداپور، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی

غیبی، بیژن (۱۳۸۲)، «چادر در منابع ادبی کهن»، پوشاک در ایران زمین (مصور)، تالیف گروه نویسندگان زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، مقدمه علی بلوک‌باشی، تهران: امیرکبیر، صص ۴۲۱-۴۲۳.

قوامی، تروودی. س (۱۳۸۲)، «دوره اشکانیان»، پوشاک در ایران زمین (مصور)، تالیف گروه نویسندگان زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، مقدمه علی بلوک‌باشی، تهران: امیرکبیر. صص ۷۵-۸۱.

کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۷۹)، سفال و سفال‌گری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر، تهران: ققنوس.

کتاب پنجم دینکرد (۱۳۸۶)، آوانویسی، ترجمه، تعلیقات، واژه‌نامه، متن پهلوی ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: معین. کتاب مغان و نبدیداد (۱۳۸۵)، ترجمه از متن اوستایی - واژه‌نامه - پژوهش‌های تطبیقی از هاشم رضی، تهران: بهجت.

کخ، هاید ماری (۱۳۷۶)، از زبان داریوش، چاپ دوم، تهران: کارنگ

کریستن سن، آرتور (۱۳۴۵)، ایران در زمان ساسانیان، مترجم رشید یاسمی، تهران: گلشن. چاپ سوم.

گات‌ها کهن‌ترین بخش اوستا (۱۳۷۷)، تالیف و ترجمه ابراهیم پورداود، به‌انضمام ترجمه انگلیسی دینشاه جی جی باهای ایرانی، تهران: اساطیر.

گرشویچ، ایلیا (۱۳۸۴)، تاریخ ایران دوره هخامنشیان، مترجم مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.

مظاهری، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام، با مقدمه پل فوکونه و حامد فولادوند، ترجمه عبدالله توکل، تهران: قطره، چاپ دوم.

مهدی، نجمه (۱۳۹۷)، شمایل‌نگاری ایزدان ایرانی و بن‌مایه‌های زردشتی در هنر دوره ساسانی، مطالعه موردی هنر کوشانی و سغدی، پایان‌نامه دکتری رشته ایران‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

نوزایی، عباس و شه‌بخش، سعید محمد (۱۳۸۵)؛ «تحلیل محتوای نقشمایه‌های به‌جا مانده از تمدن شهر سوخته سیستان»، کتاب ماه هنر، ش ۹۵-۹۶: ۱۴۰-۱۲۸.

تحلیل مفهوم زن آرمانی ایرانی ... (فائزه عقیقی) ۳۱۱

- وحدتی هلان، یونس (۱۳۹۱)، *ارزش و مقام زن در ایران باستان*، تبریز: اختر.
- ورجینی، آلاله (۱۳۹۸)، *حقوق زن در دوران باستان*، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- وزیدگیهای زادسپرم (۱۳۸۵)، نگارش فارسی، آوانویسی، یادداشتها، واژه‌نامه، تصحیح متن از محمدتقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هرمان، جورجینا (۱۳۷۳)، *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- هرودوت (۱۳۳۶)؛ *تاریخ هرودوت*، ترجمه، مقدمه، توضیحات و حواشی هادی هدایتی، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- یشتها (۲۵۳۶)، گزارش پورداود، به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی، ۲ ج، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ ۳.
- یوسفی‌نسب، صالح (۱۳۸۱)، «زن و خانواده در دوره ساسانی»، *فصلنامه هستی*، ش ۱۱، صص ۸۲-۶۸.

- Daryaei touraj (2014), "The last ruling woman of eranshahr Queen Azarmigduxt". *Internathional Journal of the society of Iranian Archaeologists*. Vol.1, No.1,
- Jacobs, Bruno and Rollinger, Robert (eds) (2021), *A companion to THE ACHAEMENID PERSIAN EMPIRE*. V1, Hoboken: Blackwell
- Shaki.Mansour (2012), "FAMILY LAW". *Encyclopaedia Iranica*. available July 27, 2022
- Brosius Maria (2020), "Womeni. In the pre Islamic persia" *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2010, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/Women- pre Islamic-persia> (accessed on 04 July 2020).
- Goldman Leon (2020), "Women ii.in the Avesta" *Encyclopædia Iranica*, online edition, 2012, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/Women- Avesta> (accessed on 04 July 2020).